

تأملی بر شعر انقلاب اسلامی

همایون علیدوستی*

چکیده:

شعر فارسی در جریان انقلاب اسلامی پای در عرصه‌های نوینی نهاده؛ یا در کشاکش این رویداد بزرگ تاریخی شاهد بروز تحولات چشمگیر در آثار نظم و نثر فارسی هستیم. شاعران سه دهه پس از انقلاب اسلامی با الهام از تعالیم آسمانی قرآن کریم و رهنمودهای حیات‌بخش حضرت امام خمینی(ره) تغییرات شگرفی را در مضامین شعر ایجاد کردند؛ هدایت مفاهیم شعری به سمت ارزش‌های انسانی و اسلامی از جمله این تغییرات است. ساختارشکنی در فرم و قالب، هنجارگریزی، آمیختگی مضامین تغزلی با مضامین حماسی و احیای تفکرات عمیق دینی و روحانی از دیگر رویکردهای شعر انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی، شعر، درونمایه‌های ادبی، ارزش‌های اسلامی، فرهنگ شهادت، دفاع مقدس.

هرگاه از شعر انقلاب سخن به میان می‌آید در نگاه اول تمامی اذهان متوجه رویکرد شعر در یک مقطع زمانی خاص می‌شود و آن سه دهه‌ای است که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) سپری شده است؛ در حالی که می‌توان گفت ادبیات و شعر و گفتاری که ما آن را به عنوان ادبیات انقلاب اسلامی می‌شناسیم ریشه‌ای کهن و تاریخی دارد. از یک دیدگاه ادبیات انقلاب

اسلامی ادبیاتی نوظهور و تازه به وقوع پیوسته نیست، بلکه ادبیاتی است که در طول سالیان متمادی در پی کشش‌ها و تنش‌های گوناگون ادبی شکل گرفته و به وجود آمده است. مطالعه شعر فارسی در ادوار مختلف این حقیقت را بر ما بهتر می‌شناساند که در تاریخ ادبیات فارسی تطورات مختلف سیاسی - اجتماعی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند.

به طور حتم ادبیات در هر عصر و زمانی تحت شرایط و فضای خاص فکری و فرهنگی آن زمان نقش پذیرفته است؛ پس برای شناخت دقیق شعر هر زمان باید در درجه اول به شناخت دقیق و صحیح فضای فکری آن زمان پرداخت و گرنه قضاوتی که می‌شود قضاوتی نادرست و ناپخته خواهد بود.

ما در این مقوله برآنیم تا درباره این موضوع به پژوهش و تحقیق بپردازیم و بدانیم چه عواملی به عنوان ممیزه‌های شعر فارسی در دوران پس از انقلاب است و نیز نگاهی به این موضوع بیفکنیم که گستره و حوزه پیشرفت ادبیات انقلاب تا کجاست و چگونه می‌توان برغنائی آن افزود و آن را به عنوان ادبیاتی که دارای پیام است و دارای رسالت جهت بخشیدن به فکرها و اندیشه‌هاست در جهان امروز مطرح کرد.

بی‌هیچ تردید پدیدآورندگان سبک‌های شعری و سایر سبک‌های ادبی در هر عصر و زمانی شاعران و نویسندگانی هستند که به عنوان شاخص‌ها و سمبل‌های آن عصر و زمان هستند. این افراد در هر زمانی پیشتازان و پرچمداران میدان سخن در پهنه‌های نظم و نثر بوده‌اند و با پدید آوردن آثار شعری ممتاز یا متحول کردن نثر آن دوره توانسته‌اند تحولی قابل درک نسبت به دوره‌های پیشین ایجاد کنند که ما امروزه می‌توانیم آن را به عنوان ممیزه‌های سبکی هر دوره در تاریخ شعر و نثر فارسی مطالعه کنیم. بررسی شعر انقلاب هم از نظر ویژگی‌های درونی و هم از نظر کشش‌ها و انعطاف بیرونی، رشد و بالندگی آن را بر ما مشخص می‌کند. شعر انقلاب از نظر محتوا و درونمایه، شعری است توانا و با وسعتی به پهنای ابدیت و این نه سخنی است از روی گزاف، بلکه

حقیقتی است که اگر محققان و ارجمندان پهنه سخن به آن پردازند این وسعت و این گستره بر همگان روشن خواهد شد.

از نظر پرداخت بیرونی نیز شعر انقلاب شعری است دارای ظرافت‌های زبانی خاص، اندیشه پویا و نوین، لطافت و سادگی، ایست‌ها و حرکت‌های توأم با مفهوم و نیز جوهره سیالی که سبب ماندگاری و پایداری آن خواهد شد.

به طور کلی می‌توان از لحاظ تفکر و اتخاذ روش، شاعران و سراینندگان شعر فارسی را در دوره مورد بحث به چهار گروه تقسیم بندی کرد:

دسته نخست از شاعران کسانی هستند که با درک صحیح از پدیده انقلاب اسلامی و نیز لمس دوران پیش از انقلاب دارای ارتباطی عمیق و ریشه‌دار با فرهنگ اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی هستند. این ارتباط به گونه‌ای است که موجب وفاداری و پابندی آنان به خط و مرام رهبر فقیه انقلاب - حضرت امام خمینی (ره) - شده است. در آثار این دسته از شاعران به سادگی می‌توان تأثیر سخن و کلام امام را دید. در این اشعار بیشتر با مفاهیمی از نوع دعوت به پارسایی، پرهیز از ناراستی‌ها، دعوت به وحدت و نفی کجروی و نیز پیوند با پیشوایان دینی و اجتماعی، مواجه هستیم؛ برای نمونه به بخشی از یکی از مثنوی‌های شاعر معاصر آقای علی معلم اشاره می‌کنیم:

قسم به عصر که پیوسته پوی آواره ست

که بر بساط زمین آدمی زیانکاره ست

جز آن قبيله که پیوسته تولایند

نخفته‌اند و میان بسته‌اند و با مایند

شب از حضيض نهران سوی اوج می‌آیند

چو وقت وقت رسد فوج فوج می‌آیند

قسم به صبر و صفاشان به رأیشان سوگند

به هیمنه نفس اسب‌هایشان سوگند

که گرد ظلمت شب را ز باره می شویند
به خون تازه زمین را دوباره می شویند
بیا گدایی دل را دوان به چاره شویم
بیا طفیلی خوان خدای باره شویم
کتاب باور خود را چگونه ببرندم
بیا تو را به نعیم خدا گرو بندم
خدایگان زمین را در است و دریا نه
جلال ملک خدا را شنیده‌ای یا نه
چگونه کرم دغل را فروغ می خوانی
کدام نعمت حق را دروغ می خوانی
اگرچه شهر امل را حلاوت از شکر است

حکایت لب شیرین حکایتی دگر است
(معلم ۱۵ تا ۱۷)

دسته دوم از شاعران مورد بحث آنهایی هستند که عمر کوتاه یا طولانی خود را با حضور در بزم‌ها و قهوه‌خانه‌ها و شب‌های می و نی سپری کرده‌اند؛ این دسته از شاعران سخن را به سیاق اسلاف خود، درباره دلبری موهوم و وصف خط و خال و زلف دلبران و زیبا رویان به گردش درآورده‌اند. آنان همچنان به استخوان‌های پوسیده شاعران باستان می‌بالند و آنان را با کسی کاری نیست تا کسی را با آنان کاری باشد. از این دسته شاعران که بسیاری از آنان به دلیل آنکه فضا را برای ترویج افکار خود مناسب ندیده‌اند، روانه دیار فرنگ شده‌اند، می‌توان به عنوان اصحاب جام، کام و نام، نام برد.

دسته سوم از شاعران، آنهایی هستند که با به بار نشستن شکوفه‌های انقلاب اسلامی لبه تیز شمشیر تهاجم خود را متوجه ارزش‌های انقلاب اسلامی کردند. در شعر این گروه هنوز مضامین مبتذل و عشق‌های ظاهری و فریبنده جایگاه ویژه‌ای دارد. شعر از دیدگاه آنان وسیله‌ای است برای آنکه معیارها و

اصول اسلامی را به سخره بنشینند. این افراد غالباً با توهین و تحقیرهایی که به مبانی دینی روا می‌دارند سعی دارند ارزش‌های حقیقی اسلامی را کم‌رنگ جلوه دهند و با ارائه چهره‌ای روشنفکرانه و متفکرانه از خویش به جایگاه و پایگاهی که می‌خواهند دست پیدا کنند. ناگفته نماند بسیاری از این گروه را حتی لفظاً نیز نمی‌توان شاعر نامید؛ چراکه مطالعه اشعار بعضی از آنان نشان می‌دهد که خیلی از آنان حتی درک صحیحی از وزن و قافیه - که اساس شعر فارسی را تشکیل می‌دهد- ندارند؛ بلکه تنها با طراری و تصاویر عوام‌فریبی که بر جلد کتاب‌های خود می‌آورند و یا شگردهای خاص دیگر در پی اغوای اشخاص هستند. شمار این دسته از شاعران اندک نیست و شناخت آنان از لحاظ مبانی فکری، وابستگی آنان را به غرب و بیگانگی آنها را از ارزش‌های اسلامی برما روشن می‌سازد.

دسته چهارم از شاعران دوره مورد بحث شاعران جوان یا جوانان شاعری هستند که تمامی عناصر وجودی آنها با ارزش‌های ناب اسلامی گره خورده است. این شاعران با تنفس در فضایی آمیخته به روح ایثار و شهادت کلامشان آمیخته با پاکی و سادگی است و در واقع شعر انقلاب نیز با همین گروه شکل خواهد پذیرفت و شعر جوان انقلاب معماران و بانیان خود را از بین همین افراد انتخاب خواهد کرد. ما اکنون مواجه هستیم با شاعران جوان و اندیشه‌مندی که هر کدام با سلیقه و ذوقی متفاوت در پی ارائه سبک و روشی نوین هستند که گاه به این موضوع انجامیده است که شعر دو دهه پس از انقلاب نتواند دارای ویژگی‌های صوری و معنایی مشخص و معینی باشد؛ اما مجموعاً می‌توان موارد زیر را به عنوان خصوصیات مشترک این دسته از شاعران عنوان کرد:

۱- تکیه بر زبان نو و ارائه فرم و محتوای تازه از شعر؛

۲- سادگی و صمیمیت در بیان و انتقال واژه‌ها؛

۳- گسترش حوزه واژه سازی و ترکیب سازی در شعر؛

۴- آمیختگی با مضامین اجتماعی و مردمی؛

۵- هنجارشکنی و هنجارگریزی در صورت‌های ظاهری و درونی شعر.

در بخش دوم این مقاله به بررسی درونمایه ادبیات انقلاب اسلامی از لحاظ رویکردهای سیاسی و اجتماعی می‌پردازیم و برای آنکه بتوانیم موضوع مورد نظر را به نحو بهتری ارائه دهیم در درجه نخست موضوعات مورد بحث را از جهات کلی به موارد زیر تقسیم بندی می‌کنیم:

۱- احیای تفکر نوین اسلامی و پرهیز از مضامین غنایی:

بی‌هیچ شک و تردیدی با پیدایش تفکر اصلاح طلبانه امام خمینی (ره) شعر نیز دستخوش تحولی قابل توجه شد. شعر فارسی که سالیان سال در بن بست مضامین کهنه غنایی دچار شده بود ناگهان تغییر نگرش داده و در سمتی که می‌توان آن را تعالی و تحرک نامید قدم گذاشت؛ در واقع می‌توان آغاز انقلاب را به عنوان نقطه پایانی اشعار تغزلی با موضوعات عاشقانه محض دانست و این از جهاتی قابل نفی و انکار نیست؛ یکی اینکه با صرفنظر از پدیده انقلاب اسلامی، عمر اینگونه از اشعار خود به خود به پایان رسیده است و جز گروهی اندک کسی طرفدار و خواستار این قبیل اشعار نیست و دوم اینکه رویدادی به نام انقلاب اسلامی روند رو به رشد این گونه مضامین را کاهش داده و امروزه کمتر شاعری به دنبال توصیف عاشقانه و سرودن غزل در مضامین غنایی است.

۲- پیوند شعر با مضامین سیاسی و اجتماعی:

شعر فارسی در سه دهه اخیر بیشترین ارتباط را از حیث مقایسه‌ای با ادوار پیشین از حیث مضامین سیاسی و اجتماعی داشته است. سیاسی شدن جهان معاصر از جمله عواملی است که بر این موضوع دامن زده است؛ از سوی دیگر وقتی که توجه به موضوعات غنایی و عاشقانه، که سالیان سال ذهن و اندیشه شاعران و اهل قلم را به خود مشغول کرده بود، کاهش یافت طبیعتاً گرایش به موضوعات سیاسی و اجتماعی افزایش پیدا کرد و شاعران انقلاب سعی کردند با پرداختن به موضوعات

سیاسی و اجتماعی به ایفای رسالت خطیر خود پردازند؛ بنابراین شعر با این رویداد ادبی توانست ارتباط و مؤانست بیشتری با توده مردم برقرار کند و برای همین شعر از لحاظ زبانی به زبان محاوره و مردم بسیار نزدیک شد که در بسیاری مواقع به عنوان یکی از رموز توفیق در سرودن شعر در دو دهه پس از انقلاب اسلامی نامیده شد؛ با ذکر نمونه‌ای از مثنوی‌های آقای احمد عزیزی این بخش را دنبال می‌کنیم:

یاد آن سرچشمه شادی بخیر	یاد آن دوران آبادی بخیر
یاد آن وقت اذان و کوزه‌ها	یاد آن لب تشنگان روزه‌ها
یاد گردش در مفتاح الجنان	یاد کرنش در پرستشگاه نان
یاد بازی در دبستان هراس	یاد خدمت زیر پرچم‌های یاس
یاد لیمو دزدی از باغ فروغ	یاد قایم موشکی‌های دروغ
یاد عیاران پیچ سرسبیل	یاد مسجدهای بازار وکیل
یاد آن میراب‌های حوض ریز	یاد آن فواره‌های روضه خیز
یاد درویشان آتش‌خوربخیر	یاد آتش‌های گرم و گر بخیر

(عزیزی ۴۵ و ۴۶)

۳- کوشش برای پیوند افکار با ارزش‌های اسلامی :

بخشی از هدف‌های شاعران پس از انقلاب کوشش در جهت ایجاد و ارتباط و توجه مردم به ارزش‌های اسلامی بوده است. این کوشش که لازمه شعر انقلاب است در قالب‌های تعبیر قرآنی و برگرفته از محتوای فرهنگ اسلامی گنجانده شده است. توجه انسان به داشتن روح بلند حق پرستی و تعظیم نکردن در برابر ظلم، ایستادگی در برابر شداید و دشواری‌ها، ستایش عدالت و برابری و دعوت به صفا و محبت از جمله موضوعاتی است که نمونه‌های آن را در اشعار شاعران پس از انقلاب به وضوح می‌توان دید. روانشاد سلمان هراتی در بخشی از شعر «یک قلم ناسزا به محترک» می‌گوید: تو در شب نشینی هایت / موش را با گربه آشتی دادی / تا کبوترها را بترسانی / و خیال کردی اگر نداشته باشیم با تو همصدا خواهیم شد. مادرم می‌گوید

باکی نیست اگر قند نیست / خرما و کشمش هست / اگر اینها هم نیست / نخوردن
هست / خدا هست.

و نیز شاعر معاصر بهمن صالحی در غزلی می‌سراید:

درخت کوچک من عاشق بهاران باش

رفیق چشمه و همدرد جویباران باش

در این گریوه که خنجر کشیده هُرم عطش

نشان واحه به نومیدی سواران باش

غبار غم بنماند چه جای درد و دریغ

همیشه منتظر بوسه‌های باران باش

(صالحی ۱۴۹)

شاعر با مخاطب قرار دادن درخت کوچک، می‌خواهد پیامی از صلح و صفا را در گوش خوانندگان شعر خود زمزمه کند. از همین شاعر در غزلی دیگر که حال و هوای غزل‌های سبک هندی را دارد چنین می‌خوانیم:

وارستگی ز نعمت دنیا گذشتن است

فارغ ز گوهر از لب دریا گذشتن است

بر خاک آستانه عشق ار نهی جبین

کمر نتیجه اش ز ثریا گذشتن است

کس بر بساط عمر نمانده ست جاودان

پایان کار سیر و تماشا گذشتن است

بازارِ دهر عاید ما سکه‌ای نکرد

سود حقیقی از سر سودا گذشتن است

(ص ۷۹ و ۸۰)

این مقوله از موضوع مورد بحث ما می‌تواند فصل درخشانی در شکل محتوایی شعر امروز ما داشته باشد؛ و اگر از این مقوله مهم چشم پوشیده شود در واقع از جهت

اصلی شعر اسلامی چشم پوشیده شده است.

۴- تبلیغ فرهنگ شهید و شهادت:

شعر شهادت از دیرباز در شعر فارسی جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ اما نه به طور اخص، بلکه به عنوان موضوعی که گاه به گاه برحسب نیاز در ادبیات فارسی وجود داشته است؛ برای مثال در شعر حافظ می‌خوانیم:

با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم

که شهیدان که‌اند این همه خونین کفنان (۶)

یا شعر بسیار زیبای مولوی که با همین مضمون سروده شده است.

کجایید ای شهیدان خدایی بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای بلاجویان عاشق بدانسته فلک را درگشایی (۷)

و یا در نمونه‌هایی از شعرهای سبک هندی نیز می‌توان به وفور اشعاری را پیرامون موضوع شهید و شهادت پیدا کرد؛ برای مثال عرفی که از پیروان سبک هندی است در بیتی آورده است:

غسل شهید عشق به آتش سزد نه آب

کی شعله را به آب کسی شستشو کند (۸)

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی فصل تازه‌ای در زمینه شعر شهادت در ادب پارسی گشوده شد. شعر شهادت شعری است که ریشه در رگ شعر انقلاب دارد و بیشترین حجم محتوایی را به خود اختصاص بخشیده است. تداوم سال‌های دفاع مقدس و عروج عاشقانه شهیدان در واقع پشتوانه اصلی این نوع شعر در دوران پس از انقلاب اسلامی بوده است. از جمله بنیانگذاران این نوع شعر روانشاد احمد زارعی است که خود با آنکه در کنار بسیاری از یاران شهید خود زندگی کرده بود، دستی آشنا با قلم و قلمزنی داشت. آن عزیز فقید در غزلی زیبا می‌سراید:

دست شهادت از چمن ما چه چیده است

کاین دشت لاله جمله گریبان دریده است

تا در هوای روی تو بالی زند زشوق
یک آسمان کبوتر دل پرکشیده است
هر رو سیاه لایق این مرگ سرخ نیست
هرکس به مهرجان کند اهدا سپیده است
در چشم ما اگرچه به ظاهر غروب کرد
بشکوه و سرخ در ابدیت دمیده است (۹)
استاد حمید سبزواری در غزلی با ردیف گل درباره شهیدان چنین می‌سراید:
مگر زخون شهیدان نگار دارد گل
که صد چو من به چمن بیقرار دارد گل
ز گل دمید و به دل بشکفید و در خون خفت
ازین نشانه کدامین دیار دارد گل
به شکر باغ مبر رنج باغبان از یاد
که سرخرویی از او یادگار دارد گل
بخوان ترانه که عالم حدیث گل شنود
که قصه‌ها ز شکوه بهار دارد گل
به خون نشست دل من زداغ لاله حمید
مگر زخون شهیدان نگار دارد گل
(سبزواری ۸۴)

از جمله شاعرانی که در موضوع شهید و شهادت آثار قابل تأملی را از خود
برجای نهاده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
قیصر امین پور، حسن حسینی، وحید امیری، حسین اسرافیلی، علیرضا قزوه،
مهرداد اوستا، ساعد باقری، پرویز بیگی حبیب آبادی، ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، محمود
شاهرخی، محمدرضا عبدالملکیان، قادر طهماسبی، بهمن صالحی، سپیده کاشانی،
سیمیندخت وحیدی، مشفق کاشانی، عبدالجبار کاکایی، محمدجواد محبت، جواد
محدثی، جواد محقق، مصطفی محدثی، ثابت محمودی، محمدرضا محمدی نیکو،

علی معلم، مرتضی نوربخش، یوسفعلی میرشکاک و سلمان هراتی؛ به دلیل پرهیز از اطاله کلام از ذکر نام دیگر سراینندگان شعر شهادت خودداری می‌شود.

۵- گرایش به موضوعات حماسی و رزمی و تأثیرپذیری از دفاع مقدس:

رویکرد دفاع مقدس موجب نوآوری و خلاقیت شاعران انقلاب در زمینه شعر حماسی شد. حماسه در شعر انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد. شعر حماسی که در طول تاریخ در بیشتر زمان‌ها تنها به نقل مطالب داستانی اختصاص داشت در این دوران عهده‌دار تشجیع و تحریک جنگجویان و مبارزان حق طلب شد.

این قبیل اشعار نتیجه شور و هیجان وصف ناپذیری است که بر اثر حماسه آفرینی‌های رزمندگان پاکبخته اسلام در میدان نبرد به وقوع می‌پیوست، توصیف جنگ آوری‌ها، شکست ناپذیری و استمرار در رزم از مقوله‌هایی است که در شعر حماسی دوران پس از انقلاب اسلامی جایگاه ارزنده‌ای دارد؛ از پیشتانان این‌گونه شعرها قادر طهماسبی متخلص به فرید را می‌توان نام برد که در شعری زیبا حماسه، رزمندگان نستوه را به توصیف می‌نشیند:

صنیر سوخته ام را شعار برگردد	بخوان حماسه که از دل قرار برگردد
گمان مبر به یمین و یسار برگردد	سنان ببارد اگر بر عمود قامت ما
خلوص ما مگر از کردگار برگردد	براین شهید سرا کفر برنخواهد گشت
که مرد جنگ نه از کارزار برگردد	بیار مرکب بی‌زین و جوشن بی‌پشت
مگر که مرکب ما بی‌سوار برگردد	از این مدافعه بی‌فتح بر نمی‌گردیم

(طهماسبی ۱۸)

از شعرهای حماسی ماندگار شعر جنگ سروده قیصر امین‌پور است که بار عاطفی بسیار زیادی دارد و بی‌گمان انسان را با دوران جنگ پیوند می‌دهد و حال و هوای آن زمان را در ذهن‌ها تداعی می‌کند.

باید که شعر خاکی و خونین گفت/ باید که شعر خشم بگویم/ شعر مقاومت شعر فصیح فریاد/ هر چند ناتمام/ اینجا وضعیت خطر گذرا نیست/ آژیر قرمز است

که می‌نالد و تنها میان ساکت شب‌ها/ بر خواب ناتمام جسدها/ خفاش‌های وحشی دشمن حتی ز نور روزانه بیزارند/ باید تمام پنجره‌ها را با پرده‌های کور بپوشانیم دیگر ستارگان را حتی هیچ اعتماد نیست/ شاید ستاره‌ها شبگردهای دشمن ما باشند. (امین پور ۹ تا ۱۷)

۶- مبارزه با رفاه زدگی و بی‌دردی:

شاعران انقلاب با شناخت همه جانبه از انقلاب اسلامی بر این نکته اذعان دارند که ایجاد عدالت از اصلی‌ترین اهداف نظام جمهوری اسلامی می‌باشد و برای همین در هر کجا که نوعی بی‌عدالتی و تبعیض را دیده‌اند بلافاصله قلم در دست گرفته و فریاد اعتراض برآورده‌اند؛ این نوع شعر به عنوان شعر اعتراض در تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی جای باز کرده است؛ از جمله پیشگامان این نوع شعر آقای علیرضا قزوه را می‌توان نام برد. شعر قزوه در واقع محملی برای اندیشه‌های ناب و بی‌آلایشی است که در آن تفکری جز تفکر خیرخواهانه را نمی‌توان دید.

از جمله این اشعار، ابیات و اشعاری هستند که در مجموعه شعر «از نخلستان تا خیابان» به چاپ رسیده‌اند. در این مجموعه به وضوح می‌توان وجود این‌گونه مضامین را لمس کرد. شعر بلند «مولا ویلا نداشت» که در قالب شعر سپید سروده شده از این نمونه است و نیز نقل بخش کوتاهی از یکی از شعرهای آقای محمدرضا عبدالملکیان در این باره بی‌مناسبت نیست.

دل من گرو ماند و امروز پای مرا بست / و افسون یک وعده، یک وجه و جادوی یک نام / و آوازه یک تریبون / و پیوند رنگین‌ترین چاپ با دفتر شعر و اخورده من مرا از مسیر کبوتر جدا کرد / و مرداب امروز پای مرا بست / چه مردان سبزی به «دریای فردا» رسیدند.

۷- مدح و منتبت ائمه اطهار:

از موضوعاتی که در درونمایه شعر انقلاب اهمیت و اعتبار خاصی دارد مدح و

ستایش ائمه (ع) است. نگرش خاص شاعران به امامان معصوم، به ویژه سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) فصل تازه‌ای از این موضوع را در شعر فارسی گشود. شاعران پس از انقلاب اسلامی با درک موقعیت زمانی خویش در پی معرفی چهره‌های تابناک امامان معصوم (ع) برآمدند و برای همین می‌توان گفت در همین زمان کوتاه حجم وسیعی از شعر ستایش ائمه (ع) در شعر فارسی سروده شده است؛ با این توضیح که در این قبیل اشعار زوایای تازه‌ای از زندگی آن بزرگان دینی معرفی شده است. اگر بخواهیم نمونه‌هایی از این قبیل اشعار را ذکر کنیم از حوصله این متن بیرون است، اما به عنوان نمونه تنها به یک شعر از شاعر معاصر قادر طهماسبی در مدح علی (ع) اشاره می‌شود:

پایمردی چون علی پیری نداشت

پارسایی چون علی میری نداشت

آسمان عریان‌تر از عدل علی (ع)

در نیام قسط شمشیری نداشت

قامت مردی کمانی مانده بود

چون علی (ع) در شست اگر تیری نداشت

چشم امید یتیمی‌ای دریغ

بی‌علی (ع) جز اشک، تفسیری نداشت

گر نبودش شیر تنها مجتبی (ع)

در مصیبت صبر تعبیری نداشت

بی‌حسین (ع) او کویر کربلا

شهرت سبز جهانگیری نداشت

گر نبودش زینب (س) بیدار دل

شام در سرشور شبگیری نداشت

(طهماسبی ۳۴)

۸- توصیف حماسه‌های رزمندگان، جانبازان و آزادگان:

آنچه در تاریخ شعر فارسی به عنوان گنجینه حماسه ملت ایران ثبت و ضبط خواهد شد، شعرهایی است که در توصیف قهرمانی‌های رزمندگان، جانبازان و آزادگان سروده شده‌اند. شعر در این مقوله به قدری زیبا سروده شده است که هر خواننده‌ای را وادار به اعتراف می‌کند که شعر انقلاب با این بنیان پولادین هیچ گاه دستخوش گزند و آسیب روزگار نخواهد شد؛ برای نمونه به نقل شعری از محمد رضا عبدالملکیان بسنده می‌کنیم:

تو چرا می‌جنگی؟ / پسر می‌پرسد: / من تفنگم بر دوش / کوله بارم بر پشت /
بند پوتینم را محکم می‌بندم / مادرم، آب و آینه و قرآن در دست / روشنی در دل من
می‌بارد. / پسرم بار دگر می‌پرسد: « تو چرا می‌جنگی؟ » / با تمام دل خود می‌گویم: / «
تا چراغ از تو نگیرد دشمن». (عبدالملکیان ۶۳)

۹- موضوع انتظار، در شعر انقلاب:

دامنه شعر انقلاب در ادبیات انقلاب اسلامی به حدی گسترده است که حد و مرزی برای آن نمی‌توان قائل شده و بی‌اغراق اگر بخواهیم زیباترین شعرها را در موضوع انتظار پیدا کنیم گنجینه‌ای بهتر از ادبیات انقلاب اسلامی نخواهیم یافت. شعر انتظار شعری است دارای جوشش، پیام و یادآور مظلومیت مستضعفان زمین که انتظار موعودی را می‌کشند که پرچم قسط و عدالت را بر بام گیتی به اهتزاز خواهد آورد. شاعر معاصر زکریا اخلاقی، در غزلی زیبا موضوع انتظار را این‌چنین زیبا کرده است:

به تمنای طلوع تو جهان چشم به راه
به امید قدمت کون و مکان چشم به راه
به تماشای تو ای نور دل هستی هست
آسمان کاهکشان، کاهکشان چشم به راه

رخ زیبای تو را یاسمن آینه به دست
قد رعناى تو را سرو جوان چشم به راه
نازنینا نفسی اسب تجلی زین کن
که زمین گوش به زنگ است و زمان چشم به راه
آفتابا دمی از ابر برون آ که بود
بی تو منظومه امکان نگران چشم به راه
(شرفشاهی ۳۸)

و نیزغزلی از آقای قزوه:
آه می کشم تو را با تمام انتظار
پرشکوفه کن مرا ای کرامت بهار
در رهت به انتظار صف به صف نشسته اند
کاروانی از شهید، کاروانی از بهار
ای بهار مهربان در مسیر کاروان
گل پاش و گل پاش، گل بکار و گل بکار
برسرم نمی کشی دست مهر اگر مکش

تشنه محبتند لاله های داغدار
دسته دسته گم شدند مهره های بی نشان
تشنه تشنه سوختند لاله های روزه دار
می رسد بهار و من بی شکوفه ام هنوز
آفتاب من بتاب، مهربان من بیار
(قزوه ۳۲)

و نیز غزلی زیبا با نام گل اشک از شاعر معاصر آقای مشفق کاشانی، متمم این
بخش از موضوع مورد بحث خواهد بود:

ای در آینه دل منتظران چشم به راهت
برلب چشمه جان در عطش موج نگاهت

خرم آن روز که بازآیی و ما را بنوازی
با نگاهی و بریزیم گل اشک به راهت
عقل حیرت زده سرخوش به تماشای جمالت
عشق با آینه و آب درآید به پناحت
شب فرا راه تو ریزد گهر از خوشه پروین
مهر را هدیه کند روز به ایوان پگاهت
نرگس ازلاله رخسار دلارای تو گلچین
باغ در جاذبه روشنی طلعت ماهت
تا بگیری زستم داد دل سوختگان را
عدل در پیش تو استاده و انصاف گواحت
(کاشانی ۱۷)

۱۰- سیمای امام خمینی (ره) در شعر پس از انقلاب اسلامی:

نام امام خمینی (ره) به عنوان مظهر و مراد عاشقان الله، همواره در شعر شاعران پس از انقلاب به تکرار آمده است. شاعران انقلاب از حضرت امام (ره) به عنوان رهبر آگاه‌اندیش و بیداردلی نام می‌برند که در عین حال که در سیر اطوار عرفانی و ملکوتی مستغرق هستند، یک لحظه از یاد مردم غافل نیستند. شاعران آزاده، ستایش امام را نه ستایش خود بلکه ستایش پاکی‌ها، خلوص، آزادگی و ایمان و استقامت می‌دانند. آنان امام را مظهر کرامت و به عنوان انسانی می‌شناسند که تاریخ پس از ائمه معصومین نظیر او را به چشم خود ندیده است، برای همین او را به عنوان تجلی گاه خواسته‌های روحانی و آسمانی خود می‌دانند. این‌گونه شعرها نه از نوع شعرهایی است که در زمان‌های پیشین در مدح و ستایش سلاطین و زورمداران سروده می‌شده است بلکه شعرهایی هستند که از دل‌های شاعرانی جوشیده‌اند که احساسات پاک و عواطف انسانی خود را بی‌هیچ چشمداشت مادی به آن رهبر الهی تقدیم می‌کنند.

قیصر امین پور:

لبخند تو خلاصه خویبهاست
پیشانی ات تنفس یک صبح است
در چشمت از حضور کبوترها
رنگین کمان عشق اهورایی
تو امتداد کوثر جوشانی
فریاد تو تلاطم یک طوفان
با ما بدون فاصله صحبت کن
ای آنکه ارتفاع تو دور از ماست
(تنفس صبح ص ۷۵ و ۷۶)

ورود آن بزرگمرد عرصه دین و سیاست به میهن اسلامی ایران نقطه عطفی برای درخشش سرودها و سروده‌های زیباست که از این رهگذر گلوآزهای عشق و ایمان بر زبان شاعران جاری می‌شود و نیز وداع غمگنانه آن اسوه ایمان و شجاعت سرفصلی است که در آن کم نظیرترین مرثیه‌ها در ادب پارسی نقش می‌گیرند که هیچ‌گاه از یادها فراموش نخواهند شد.

سعید بیابانکی:

ای سبز ای همیشه سپیدار
جنگل در انتظار نماز است
ای ماه از چه بود که آن مرد
رفتی و رخت ناله بریدی
رفتی و کوه بغض فرو ریخت
با ما بگو که چند شب ای مرد
امشب به یاد آن همه پاکی
در جای جای جنگل ایثار
برخیز ای نیایش بیدار
در چاه می‌گریست علی وار
برقعات شکسته نیزار
ماندیم زیر سردی آوار
ما خواب بوده ایم و تو بیدار
بیدار باش و آینه بشمار
(وبلاگ سنگچین)

پی‌نوشت‌ها:

- قرآن کریم . سورة جمعه ، آیه ۱ .
- _____ . سورة نساء ، آیه ۳۵ .
- _____ . سورة قاف ، آیه ۱۶ .

فهرست منابع:

- قرآن کریم .
- امین پور، قیصر. تنفس صبح. تهران: انتشارات حوزه هنری، ۱۳۸۳.
- انصاری، خواجه عبدالله. طبقات الصوفیه. تصحیح دکتر محمد سرور مولایی. تهران: نشر طوس، ۱۳۸۶.
- بیابانکی، سعید. وبلاگ سنگچین. <http://sede-iut.blogfa.com>
- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد. دیوان اشعار. تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۳.
- سبزواری، حمید. گزیده ادبیات معاصر. تهران: نیستان، ۱۳۸۲.
- سپهری، سهراب. هشت کتاب. تهران: نشر کتابخانه طهوری، ۱۳۷۰.
- شرفشاهی، کامران. به پیشواز سپیده. تهران: فرهنگسرای ولا، ۱۳۸۲.
- صالحی، بهمن. خطوط دلتنگی. تهران: انتشارات حوزه هنری، ۱۳۷۲.
- طهماسبی، قادر (فرید). پری شدگان. تهران: سوره مهر، ۱۳۸۵.
- عرفی شیرازی. دیوان عرفی. به کوشش غلامحسین جواهری. تهران: سنایی، ۱۳۳۰.
- عزیزی، احمد. کفش‌های مکاشفه. تهران: شقایق، ۱۳۶۷.
- عبدالملکیان، محمد رضا. ریشه در ابر. تهران: برگ، ۱۳۶۳.
- کاشانی، مشفق. وبلاگ زمستان. <http://shopelishk.blog>
- کاشانی، عزالدین. مصباح الهدایه. تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: نشر هما، ۱۳۸۶.

-
- مجله موعود. شماره ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. بحار الأنوار. تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۴.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی. کلیات دیوان شمس (دیوان کبیر). با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- مثنوی دفتر دوم. تصحیح محمد حسن فروزانفر. تهران: نشر ارمغان، ۱۳۸۱.
- معلم، علی. رجعت سرخ ستاره. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۰.
- هراتی، سلمان. در آسمان سبز. تهران: انتشارات حوزه هنری، ۱۳۶۳.